



# تحلیل وضعیتی (SWOT) صنعت تولید در ایران

دکتر پرویز علیلو\*

صاحبان سرمایه به تولید و کارخانه، کسب شخصیت حقوقی قابل قبول جامعه بوده است.

## بهره هوشی بالا، خلاق و نوآور بعنوان قابلیت‌های تولید؛

محروریت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی و معیشتی بی‌شمار، خوشبختانه عامل خلاقیت‌ها و نوآوری شده و از این نظر منابع انسانی متفکر و خلاق در دسترس جامعه صنعتی قرار داده است، اگر از نقش عوامل متعدد از بین برنده انگیزه کاسته شود خلاقیت نیروی کار این کشور به اوج خود می‌رسد. وفور منابع طبیعی زیرزمینی، معادن بالارزش، نفت و گاز، محصولات کشاورزی و زمین‌های حاصلخیز و وسعت سرزمینی مناسب، بستری برای صنایع تولیدی جهت تبدیل مواد خام به فرآورده‌های بالارزش افزوده بالا به جهت برخورداری از مواد خام اولیه موجود است که متأسفانه در بیشتر موارد بصورت خام و به قیمت‌های ناچیزی از کشور خارج می‌شود همه این منابع به‌عنوان دارایی‌های بالارزشی هستند که می‌توانند ضمن ایجاد اشتغال و رواج صنعت و تولید به بازتولید ثروت ملی کمک کنند.

## قرار گرفتن در موقعیت فوق‌العاده استراتژیک جغرافیایی بعنوان کریدور شرق و غرب و برخورداری از همسایگان متعدد، نیازمند و ضعیف

که از جمعیت تقریباً بالایی برخوردارند و از نظر شاخص‌های توسعه و پیشرفت بسیار عقب‌تر از کشورمان هستند (عراق، افغانستان، آذربایجان، ارمنستان، پاکستان، ترکمنستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس و حاشیه دریای خزر) همه و همه برخورداری از یک نقطه قوت بی‌مثال است که تولیدگران، سیاستگذاران با واقع شدن در مرکز این موقعیت باید اهمیت خود را بعنوان قدرت بلامنازع تجدید و تثبیت نمایند.

## نقاط ضعف صنعت و تولید کشور

### نبود حمایت‌های قانونی و تسهیلاتی مناسب و ارزان از تولیدکننده؛

بانک‌ها و موسسات اعتباری از بدنه کارشناسی چابک و متخصص برخوردار نیستند و در ارزیابی‌های خود نهایت سختگیری را با سرمایه‌گذاران به خرج می‌دهند، سیاست‌های حمایت از تولید با اعطای تسهیلات کم‌بهره و بلند مدت در دستور کار سیاستگذاران قرار ندارد و تورم بالا همراه با رکود بهمراه سود دلفریب سپرده بانک‌ها که در بیشتر مواقع از نرخ تورم نیز تجاوز می‌کند مانع اصلی روی آوردن سرمایه و سرمایه‌گذار به تولید و صنعت شده است، صنایع تولیدی کشور در خوش‌بینانه‌ترین شرایط سودی بین ۱۰ تا ۱۵ درصدی دارند و تحقق این سود به وصول مطالبات

این تحلیل با بهره‌مندی از تکنیک SWOT به بررسی نقاط قوت (Strength) و نقاط ضعف (weakness) تولید و صنایع تولیدی و تهدیدها (Threat) و فرصت‌ها (Opportunity) در عرصه پیرامون صنعت (محیط داخل کشور) می‌پردازد.

تحلیل سوات برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف داخلی و تهدیدات و فرصت‌های محیطی سازمان‌ها به‌طور گسترده از سال ۱۹۹۰ میلادی وارد سیستم‌های مدیریتی شده و نگارنده از این تحلیل بعنوان یک ابزار کارآمد کیفی برای تحلیل مدیریتی و استراتژیک وضعیت صنعت و تولید در کشور استفاده کرده و راهبردها و راهکارهای هریک را ارائه می‌نماید.

## نقاط قوت صنعت و تولید در ایران

متأسفانه سوابق تاریخی و پیشینه درخشانی برای تولید و صنعت در ایران به دلایلی در دسترس نیست، بی‌حکمت نیست کشوری که در مسیر جاده ابریشم قرار داشته، کاروان‌ها و بازرگانان گذری، روح و تجارت دلالی را به مردمان میزبان و مردم این سرزمین هدیه داده و البته رفتار و عادات مصرف را در این کشور رواج داده باشند، تجارت و بازرگانی محصول تولید و صنعت می‌باشد که بعد از انقلاب صنعتی و ابداع ماشین و ابزارهای پیشرفته کالاها و محصولات کشورهای صاحب تکنولوژی و صنعت را به سوی بازارهای نیازمند روانه ساخت و باعث شکوفایی و توسعه روزافزون صنعت و تکنولوژی کشورهای صنعتی و اروپایی گردید.

کشورهایی مثل ایران در امتداد سلسله‌های شاهنشاهی در بستری مالکانه مورد تاراج و یغما قرار گرفتند و هر از چندگاهی به داشتن عیاران و جوانمردان دل‌خوش کردند. شرایط آب و هوایی، جغرافیای این کشور دامپروری و کشاورزی را رواج داد و از تغییرات روزافزون و شگرف صنعت هیچگونه دستمایه‌ای نصیب ما نشد، تلاش‌هایی برای صنعتی شدن از اوایل سال‌های ۱۳۰۰ شمسی آغاز شد اما به جهت شکل حکومت و سیستم شاهنشاهی و دولتی اقتصاد نتوانست در مسیر شکوفایی قرار گیرد لذا با کمال تأسف و پس از کنکاش فراوان نقاط قوت چشمگیری که بتواند عامل جذبه‌ای برای جذب و علاقمند نمودن سرمایه‌گذار به صنعت و تولید در این کشور باشد یافت نشد، تنها چند عامل نه‌چندان بااهمیت بعنوان نقطه قوت برای صنایع تولیدی و صنعتی ارائه می‌شود.

## پرستیژ اجتماعی نسبتاً مقبول و دلفریب؛

اندک صنایع و کارخانجات موجود در کشور و مدیران و صاحبان این مجموعه‌ها از یک پرستیژ اجتماعی نسبتاً خوبی برخوردارند که از لحاظ روانی باعث اقتاع صاحبان کسب‌وکار و برخورداری از شخصیت اجتماعی نسبتاً قابل قبولی شده است و یکی از دلایل مقبولیت عمومی و روی‌آوری



گره مشکلات ساختاری را باز نمایند.

فاقد پشتیبان و چک‌های مدت‌دار بدون تضمین و ده‌ها اما و اگر خرد و کلان بستگی دارد.

## نامناسب بودن ساختارهای سازمانی و عدم بکارگیری اصول اساسی مدیریت؛

سازمان‌ها شکل‌های گروهی همکاری و تعاون در جهت رسیدن به اهداف مشترک‌اند و ساختارها ترسیم خطوط هماهنگی و تقسیم وظایف و اختیارات در سازمان‌ها را نشان می‌دهند، بدون بکارگیری اصول اساسی مدیریت از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و کنترل و پیگیری دستیابی به اهداف تعیین شده به هیچ‌وجه ممکن نمی‌باشد لذا با کمال تأسف اصول اولیه مدیریت که از حدود بیش از یکصد سال هنوز بعنوان الگوهای مدیریتی جوامع متمدن مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، حتی به ابتدایی‌ترین شکل در سازمان‌های خدماتی و تولیدی و حتی مدیریتی کشور مورد بهره‌برداری قرار نگرفته‌اند.

## بدنامی و بی‌اعتمادی تولید داخل؛

نداشتن برنامه، چشم‌انداز، مأموریت و اهداف مشخص در سازمان‌ها و صنایع تولیدی به‌همراه نبود سازوکارها و مقررات دولتی برای اقتصاد دولتی دلایل مبرهن و آشکاری برای عدم موفقیت و عرضه محصولات با نام و نشان در کشور ما بوده است.

## نبود برندها و صنایع بزرگ و افتخارآفرین بعنوان الگوهای مقبول؛

صنایع کوچک و متوسط پایه‌های اقتصاد هر کشوری محسوب می‌شوند و پرورش و رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و تبدیل آنها به صنایع بزرگ و مادر در بستر اقتصادی مستعد و امن امکان‌پذیر است. اقتصاد دولتی، شبه دولتی و برخوردار از مواهب و منابع عظیم ملی، خلاقیت و نوآوری را از صنایع عمدتاً دولتی سلب نموده و به جهت عدم شکل‌گیری بخش خصوصی و منفک از دولت، به معنای واقعی، صنایع خصوصی در سایه شوم رانت و ارتباطات پرورش یافته‌اند و فقدان هویت و شخصیت اقتصادی قوی و مستقلی هستند.

## قیمت‌های تمام شده بالا و ناتوانی در رقابت داخلی و خارجی؛

قیمت تمام شده محصولات کشور تابع هزینه‌های متعددی از جمله نیروی انسانی آموزش ندیده، ماشین‌آلات مستهلک و هزینه‌بر، رویه‌ها و روش‌های غیراصولی، عدم برخوردار از اصول مدیریت و سرپرستی مدرن، عدم بهره‌مندی از مشاوره‌های تخصصی، نرخ تسهیلات بالا و پایین بودن ساعات کار مفید بسیار غیراقتصادی، غیر رقابتی تعیین می‌شود.

## نبود هماهنگی و انسجام بین دوایر دولتی در جهت حمایت از تولید؛

متأسفانه انسجام و یکپارچگی در دوایر و نهادهای قدرت برای اجرای

## بهره‌وری پایین نیروی کار؛

نیروی کار صنایع تولیدی انگیزه لازم برای بکار بستن استعدادهای خود را ندارد، حقوق و دستمزدی که دریافت می‌کند کفاف زندگی را نمی‌دهد، شرایط مساعد روحی و روانی خوبی ندارد، آموزش‌ها و مهارت‌های لازم کار را در بیشتر موارد نیاموخته و علاقه‌ای به آموزش و یادگیری ندارد، در مناسبات تولید خود را بعنوان ابزار کار می‌بیند و در بیشتر مواقع مثل آدم ماشینی با وی برخورد می‌شود، کارفرما و صاحب کسب‌وکار را دشمن و استثمارگر می‌داند که این همه باعث رنجش و بی‌علاقگی به کار و خلاقیت و نهایتاً بهره‌وری پایین می‌گردد.

مناسبات و حقوق قانونی نیروی کار از طرف دولت تعیین می‌گردد که متأسفانه ناتوانی اقتصاد دولتی در کنترل تورم و ناتوانی در ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضای نیروی کار و ایجاد شغل به ارزانی و نادیده انگاشتن زحمات نیروی کار منجر شده که نهایتاً متأسفانه نیروی کار کشور، عامل تضییع حقوق و فشارهای مضاعف زندگی و معاش خود را در بسیاری موارد نه اقتصاد دستوری سیاستگذار و قانون‌گذار بلکه کارفرما می‌داند.

## ماشین‌آلات فرسوده قدیمی و مستهلک؛

نبود زیرساخت‌های صنعت مادر در کشور، نبود بخش خصوصی فعال و صنعتی، تحریم‌های ظالمانه و نداشتن برنامه تولیدی صنعتی جامع از طرف سیاستگذار، ماشین‌آلات مولد و فعال کشور را مسن و پیر کرده و از کارایی آن کاسته است، صنایع کشور مستهلک و انرژی‌بر هستند و از پیشرفت‌های هوشمندانه صنایع نوین بی‌بهره‌اند کیفیت و کمیت تولید باتوجه به رقابت شدید بین تولیدکنندگان عرضه بین‌الملل که با کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری به رقبای کوچک و ضعیف غلبه کرده‌اند ضعیف و نحیف شده و یارای مقاومت در برابر تغییرات شوک‌آور را از دست داده است.

## ضعف سیستم‌های ارتباطی و اطلاعاتی؛

زیرساخت ارتباطات و شبکه‌های ارتباطی از قبیل شبکه مخابرات (شبکه‌های تصویری، ماهواره‌ای، اینترنتی) شبکه بزرگراه‌ها، شبکه‌های ریلی، شبکه‌های خطوط هوایی در کشور، ضعیف و به شکلی عقب مانده است برخوردار از دانش و اطلاعات روز در گرو بهره‌مندی از شبکه‌های تسهیل و ترویج دسترسی به منابع عظیم اطلاعات میسر است و بدون داشتن ابزارهای مناسب دسترسی به اطلاعات ثروت آفرینی ناممکن است.

## ضعف در بازار بایی و بهره‌مندی از مشاوره؛

با گذشت حدود یکصد سال از پیدایش علمی صنعت مشاوره در جهان متأسفانه اعتقاد و باور اثربخش به مشاوره در امور مختلف و مسائل مشکلات در میان جوامع مختلف صنعتی کشور شکل نگرفته و راهکارهای سنتی همچنان با تکیه بر رویه‌ها و روش‌های منسوخ و نابارور نتوانسته‌اند



بازارزش خود نایل نشده است و گویا از اهمیت چندانی نیز برخوردار نیست لذا با توجه به تغییرات سریع و روزافزون در تکنولوژی و دانش فنی مربوطه از یک طرف و بی‌توجهی عمومی در ایران به این مسئله زمینه بسیاری شکست‌ها و درج‌زدن‌ها گسترش یافته و هرروز شاهد کناره‌گیری، انحلال، ورشکستگی صنایع و شرکت‌ها در کنار دیگر عوامل و فشارها شده است.

### نبود مهارت‌های کاری و کارآفرینی؛

متأسفانه سیستم آموزشی کشور نتوانسته است نیروی کار مهارت دیده، متخصص و کاردان که به اصول اساسی و قابل اجرای کارآفرینی مسلط باشد، پرورش دهد کارآفرینی و کارآفرینان به شکلی سنتی موفق به ایجاد کسب‌وکارها شده‌اند.

### ضعف اخلاق و رفتار اجتماعی و شیوع قانونگریزی شدید در بین افشار مختلف جامعه و حتی حاکمیت؛

پایه‌های اساسی رشد و پیشرفت و توسعه هر جامعه‌ای از پایه‌گذاری و رعایت اخلاق، ارزش‌ها و هنجارها و پایبندی به آنان شکل می‌گیرد که متأسفانه تلاش مثمر ثمر برای ایجاد و توسعه آن از طرف سلسله‌های حاکمیتی در ایران انجام نگرفته است و فرهنگ شکل گرفته ضعیف و از لحاظ صداقت و پاکی ملوّن بوده است. دروغ و گذر از خطوط قرمز و زیرپا گذاشتن مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی جزء افتخارات اجتماعی شده و در بطن خانواده و فرهنگ ایرانی مقید و متعهد شدن به اجرای اصول اساسی زندگی و پایبندی به اخلاقیات زیرپا گذاشته شده است با این وصف و به قول معروف در جامعه‌ای که دور گل‌ها و باغچه‌ها از ترس دستبرد به آن‌ها حصار می‌گذارند شاید توسعه اندکی بی‌معنا باشد. تلاش برای رشد و پیشرفت به شکل ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی (توسعه افقی) و دستیابی به تکنولوژی نوین (توسعه عمودی) دردی از دوی این کشور را دوا نخواهد کرد و تا زمانیکه توسعه کیفی که از مدرنیته و پرورش مغزها حاصل می‌شود در کشور اتفاق نیافتد تمام تلاش‌ها برای توسعه، آب در هاون کوبیدن خواهد بود این مسئله از منظر اقتصادی ضایعه و ضعف بزرگی برای ترویج و جذب سرمایه‌گذار و صنعت در کشور به حساب می‌آید.

### عدم تسلط به ابزارها و مهارت‌های ارتباطی نوین از جمله زبان انگلیسی و مهارت‌های مذاکره و فروش؛

باتوجه به پیشرفت علوم از همه جهات و ضرورت بهره‌مندی از ابزارهای نوین ارتباطی و مهارت‌های خاص رویارویی با مسائل پیچیده روز، آموزش‌ها و بستری لازم برای رویارویی و پاسخگویی به نیازهای موجود تدوین و ارائه نشده است. لذا برخورد‌های سنتی و از مد افتاده پاسخگویی تحولات و ارتباطات مدرن نبوده و در اولین قدم‌ها به جهت ناتوانی در به کارگیری اصول مذاکره، اصول ارتباطی مقبول و نوین مقهور رقبا و طرف‌های هنرمند و دارای مهارت‌های قوی شده و میدان و بازار را به طرف قوی و برخوردار از مهارت‌های چندگانه واگذار نموده است.

سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین شده وجود ندارد و هرکدام از سازمان‌ها و ادارات مختلف بصورت جزیره‌وار دنبال انجام وظایف خشک و مقررات سازمان متبوعه خود هستند و اینکه این وظایف و مأموریت‌ها چه اندازه با سیاست‌های کلان و ملی همسو باشند در اجرای وظایف آنان کم‌رنگ و در درجه اولویت پایین تری قرار دارند و باصطلاح حفظ قدرت سیاسی و میز کار از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار است لذا تولید و صنعت بعنوان اهرم رشد و توسعه کشور مسئله‌ای با اهمیت و ملی تلقی نمی‌شود.

### رقبای قوی بنبیه و شبه دولتی و برخوردار از رانت؛

اقتصاد ایران در کشاکش اقتصادهای بازار آزاد و سرمایه داری و سیستم‌های اقتصادی دولتی و سوسیالیستی برای خود تعریفی از اقتصاد ارائه کرده است که مبنای دقیق و روشنی ندارد که بتواند اقتصاد نیمه دولتی متمایل به بازار آزاد را توجیه کند و کارکرد آن را برای اقتصاد ایران شاخص قرار دهد لذا با علاقه‌ای که به اقتصاد بازار و آزادی اقتصادی دارد در چمبره جاذبه‌های دولتی و انحصار منابع ارزان گیر کرده است.

### نبود تشکل‌ها و اتحادیه‌های صنفی قوی؛

باتوجه به عدم شکل‌گیری واقعی بخش خصوصی سندیکا و اتحادیه و تشکل‌های حمایتی صنفی مربوطه نیز شکل نگرفته است و جایگاهی برای تشکل‌های قوی و مدافع صنوف و حقوق آنها نیز ایجاد نشده است. اقتصاد سیاسی و دولتی نیز زمینه ایجاد چنین تشکل‌هایی را از بین برده است لذا اقتصاد دولتی و تشکل‌های مربوطه فرمایشی بوده و از پیگیری حقوق ذینفعان خود ضعیف بوده‌اند.

### واردات بی‌رویه نظام‌مند؛

دروازه‌های ورود کالا و محصولات از طریق غیر قانونی اما کاملاً توانمند به روی واردکنندگان سازمانی باز بوده و صنایع تولیدی داخل کشور با بهره‌وری پایین و هزینه‌های بالای تولید توان مقابله با آن را نداشته و از گردونه رقابت بیرون رفته است جالب این است که در بسیاری موارد حاکمیت، وجود این سازمان‌های غیر قانونی و قدرتمند را تأیید و عملاً تسلیم رفتارهای آنان شده است.

ناهماهنگی تحصیلات دانشگاهی نیروی کار با نیازهای تولیدی کشور (عرضه و تقاضای نیروی کار و نیازهای شغلی و پیش‌بینی‌های آتی) در سطح کلان به نظر می‌رسد فاقد برنامه‌ریزی جامع و کلان و یکپارچه برای پرورش نیروی کار خلاق و تحصیل کرده برای نیازهای شغلی و تولیدی کشور هستیم، با وجود پیشرفت علوم مدیریت برنامه‌ریزی برای زمان حال و آینده نیازهای شغلی، نیازهای تولیدی، نیازهای اقتصادی و پرورش و آموزش نیروی کار لازم انجام نشده است و تحصیلات عالی موج‌وار تابع علایق و عقده‌های والدینی شکل گرفته‌اند.

### نداشتن جایگاهی برای تحقیق و توسعه در صنایع؛

تحقیق و توسعه در صنایع و نهادهای اجتماعی و تولیدی به جایگاه درخور و



به حساب می‌آیند.

- رونق بازرگانی و تجارت به دور از موانع و مقررات مالیاتی و مقیدکننده که معضلات تولید را نداشته و بیشتر در سایه قرار دارند که کالا و محصول را از فروشنده به خریدار منتقل می‌نمایند و به راحتی سود می‌برند بی‌آنکه شناسنامه یا آدرس قابل شناسایی داشته باشند.

- سود سپرده‌های بیشتر از نرخ تورم و بهره بالای بانکی تسهیلات که انگیزه تولیدکننده را به سمت سپرده‌گذاری سوق می‌دهد.

- نبود ثبات در قیمت ارز، سیاست‌های انقباضی و انبساطی دولت و بانک مرکزی و مقررات تعرفه‌ای و تشویقی واردات و صادرات

- اقتصاد دولتی و شبه دولتی برخوردار از منابع مختلف که امکان رقابت، رشد و بالندگی را از بخش خصوصی تولیدی گرفته است.

- فرهنگ سرمایه و سرمایه‌دار ستیز مردم که رفتارهای نامشروع، غیرقانونی و زشت عده‌ای صاحبان ثروت را نه از ضعف قانون و مجری قانون که از فرد خطاکار و طبقه اجتماعی وی می‌دانند غافل از اینکه بدون سرمایه و سرمایه‌گذار هیچ تولیدی محقق نمی‌شود و به تبع آن هیچگونه بازتولید ارزش و ثروتی رخ نمی‌دهد پس بنابراین اشتغال و رفاهی نیز در جامعه ایجاد نمی‌گردد.

- نداشتن برنامه جامع ملی برای بسترسازی، توسعه اقتصادی و صنایع دانش‌بنیان

- نبود حمایت‌های قانونی از حقوق بازرگانی و تجارت طرفین معامله و خصوصاً ساز و کاری برای تضمین پرداخت و وصول چک‌های پرداختی و تعهدات پرداختی

باتوجه به شرایط خاص کشور ایران که بیشتر مبادلات اعتباری و یا از طریق چک‌های مدت‌دار صورت می‌گیرد، هیچگونه تضمینی برای وصول مطالبات و چک‌های بلامحل وجود ندارد و نبود برخوردهای مانع شونده از سوی سیستم قضائی کشور موجبات رواج کلاهبرداری، سوء استفاده و ضرر و زیان تولیدکننده شده است و این درحالیست که کلیه پرداخت‌های جاری تولیدکننده اعم از هزینه‌های انرژی، مالیات، حقوق و دستمزد و ... نقدی بوده و چک‌های بلامحل و هزینه‌های وصول آن سود ناچیز تولیدکننده را بلعیده و باعث سردرگمی در فروش مطمئن حتی به معتبرترین خریداران نیز شده است.

- سیستم مالیاتی ناعادلانه و نامتناسب با وضعیت و خیم تولید و صنعت کشور درحالی که وارد عمیق‌ترین دوره‌های رکود و کساد بازار شده‌ایم سهم مالیات از بنگاه‌های اقتصادی در تأمین بودجه کشور بطور چشمگیری افزایش یافته است و این مورد با شرایط اقتصادی بازار و اقتصاد پویا همخوانی ندارد و ناتوانی در تأمین و توسعه فرصت‌های برابر برای بهره‌مندی از امکانات عمومی کشور موجبات شیوع بی‌اعتمادی اجتماعی و تخریب شدید سرمایه‌های اجتماعی شده است.

#### پی‌نوشت:

\* دانش آموخته مدیریت بازرگانی، بازاربایی، مدیر عامل مجموعه کارخانجات لیاف آذران و مدرس دانشگاه

آموزش‌های به ظاهر آکادمیک در بسیاری زمینه‌ها رواج یافته اما صرفاً تئوریک و فاقد کارکرد اجتماعی بوده و از بهره‌وری لازم برای برخوردار از نتایج و کاربردی کردن آنها عاجز بوده است.

#### تحلیل نقاط فرصت تولید و صنعت داخلی؛

- وجود بازارهای وسیع مصرف در داخل کشور با توجه به جمعیت و وسعت کشور

- وجود همسایگان ضعیف، نیازمند و پرجمعیت، جغرافیای کشور به جهت دسترسی به آبهای آزاد و بسیاری از کشورهای منطقه با کمترین هزینه استراتژیک محسوب می‌شود. بیشتر کشورهای همسایه ایران از نظر تکنولوژی، دانش فنی و مهارت‌ها و منابع گوناگون ضعیف‌تر از ایران هستند.

- وجود ویرانی‌های ناشی از ترور بسم، جنگ منطقه‌ای، تغییر حکومت‌ها و سیاست‌های بین‌المللی قدرتهای بزرگ کشورهای همسایه ما را به بازار بزرگ مصرف محصولات و کالاهای خارجی تبدیل نموده است که با تدوین استراتژی‌های مناسب می‌توان سالهای سال از همسایگی با این کشورها به جهت مصرف محصولات و کالاهای ایرانی لذت برد.

کشورهایی همچون افغانستان، عراق، سوریه، ارمنستان، آذربایجان که فرصتهای باارزش برای اقتصاد ایران فراهم آورده‌اند

- پتانسیل عظیم منابع انسانی جوان، تحصیل کرده و نیازمند به عنوان فرصت‌گران به‌ها و مزیت رقابتی بی‌مثال برای کشورمان است که در صورت برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌های درخور ایشان به تناسب نیازهای کشور می‌توانند باعث تحول شگرفی شوند

- وجود امنیت سیاسی و اجتماعی در کشور که می‌تواند ایران را به کریدور شرق به غرب و شمال به جنوب و عامل جذب سرمایه‌گذاران خارجی تبدیل کند

- وجود صنایع عظیم زیرزمینی از قبیل نفت و گاز، پتروشیمی، منابع و ذخایر معدنی، کشاورزی که با ایجاد صنایع پتروشیمی و تبدیلی از خام فروشی آن‌ها جلوگیری کرده و به ایجاد ارزش افزوده مضاعف منجر می‌گردد. با ایجاد صنایع پایین‌دستی تبدیلی و بسته‌بندی و فرآوری و تولید محصولات مشتق شده از همه منابع و ذخایر معدنی و خام کشور ضمن ایجاد اشتغال و رفاه باعث ارزآوری و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور می‌گردد. علاقه شرکت‌ها و کارخانجات با نام خارجی برای سرمایه‌گذاری به اشکال مختلف در ایران از جمله سرمایه‌گذاری مشترک، همکاری‌های مشترک، در صورت احراز اطمینان همه‌جانبه از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور میسر خواهد شد.

#### تحلیل نقاط تهدید صنعت و تولید کشور؛

- تکنولوژی در حال تغییر و مدرن کشورهای در حال توسعه و رقبای خارجی که از دسترس صنایع کشور دور است.

- رقبای قوی، مبتکر و به روز خارجی و صنایع دولتی و شبه دولتی داخلی که به راحتی در کشور حضور دارند تهدیدی به بخش خصوصی